

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر سورہ مبارکہ غافر آیات شریفہ ۷ الی ۱۲

اراءہ کنندہ:

حمید رضا نفیسی



uw Quran
Session

۱۸ ژانویہ ۲۰۱۹
جلسہ قرآن دانشگاه واترلو

توصیف کلی سوره مبارکه غافر

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است:

«حوامیم» (سوره هایی که حم شروع می شوند) تاج قرآن و گل های خوشبوی آن است و خداوند قاری این سوره ها و همسایگان و بستگان و دوستان او را مورد لطف قرار می دهد و عرش و کرسی برای او استغفار می کنند.

(تفسیر نمونه)

متن آیات شریفہ ۷ تا ۹

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ

﴿ ۷ ﴾ الْجَحِيمِ ﴿ ۷ ﴾

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿ ۸ ﴾ ﴿ ۸ ﴾

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿ ۹ ﴾ ﴿ ۹ ﴾

متن آیات شریفہ ۱۰ تا ۱۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿۱۰﴾

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا

فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۱﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَ إِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا

فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿۱۲﴾

ترجمه آیات شریفه ۷ تا ۱۰

آنان که عرش را حمل می کنند و آنان که بر گرد آن هستند به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان آورده اند و از او برای مؤمنان آمرزش می خواهند: ای پروردگار ما، رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است پس آنان را که توبه کرده اند و به راه تو آمده اند بیامرزد و از عذاب جهنم ننگه دار (۷)

و ای پروردگار ما، آنان را و هر که صالح باشد از پدران و همسران و فرزندانشان به بهشت های جاویدانی که به آنها وعده داده ای داخل کن، که تو پیروزمند و حکیمی (۸)

آنان را از عقوبات حفظ کن، که هر که در آن روز از عقوبات حفظ کنی بر او رحمت آورده ای و آن کامیابی بزرگی است (۹)

ترجمه آیات شریفه ۱۰ تا ۱۲

کافران را ندا می دهند که دشمنی خدا با شما بزرگ تر است از دشمنی شما با خودتان، آنگاه که به ایمانتان فرا می خواندند و راه کفر پیش می گرفتید (۱۰)

می گویند: ای پروردگار ما، ما را دو بار می راندی و دوبار زنده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده ایم آیا بیرون شدن را راهی هست؟ (۱۱)

این عذاب بدان سبب است که چون خدا را به یکتایی می خواندند شما انکار می کردید، و اگر برای او شریکی قرار می دادند شما به آن شریک ایمان می آوردید پس، فرمان، فرمان خدای بلند مرتبه بزرگ است (۱۲)

نکات آیه، مقسم

- ۱- معنای واژه عرش در مورد خداوند
- ۲- مسئولیت های فرشتگان
- ۳- شیوه ارتباط ملائکه با خداوند
- ۴- مراحل تسبیح
- ۵- مفهوم تسبیح و تحمید
- ۶- استغفار فرشتگان برای مؤمنین
- ۷- مفاد دعای ملائکه در حق مؤمنین
- ۸- آداب دعا در قرآن

معنای واژه عرش

▶ کاربرد صفت:

○ آنچه که بر پایه‌ها ساخته و استوار شده است:

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ ... ﴿الأنعام ۱۴۱﴾

▶ کاربرد فعل:

○ برافراشتن (ساختن) بناها

وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿الاعراف ۱۳۷﴾

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿نحل ۶۸﴾

معنای واژه عرش

کاربرد اسم:

○ در لغت عرب به معنای سقف و هر چیز بلند است:

... هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا ... ﴿بقره ۲۵۹ - كهف ۴۲ - حج ۴۵﴾
 وَ رَفَعَ أَبْوِيهٖ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ... ﴿يوسف ۱۰۰﴾

○ در آیات قرآن در مورد غیر خداوند، عرش به معنای تخت پایه بلند و رفیع یا تخت دارای سقف در مقابل کرسی به معنای تخت پایه کوتاه است.

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿نمل ۳۸﴾

○ در تفاسیر به غلبه خداوند بر امور جهان و تدبیر امور عالم پس از خلق آن و مرکز فرماندهی جهان ماده و جهان مجردات اطلاق شده است که نتیجه علم، قدرت، حکمت و رحمت خداوند است:

... ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ... ﴿اعراف ۵۴ - یونس ۳ - رعد ۲ - فرقان ۵۹ - سجده ۴ - حدید ۴﴾

تفسیر المیزان: عرش، حقیقتی از حقایق و امری از امور خارجی و مرکز تدبیر امور جهان است.

مسئولیت های فرشتگان

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ : واسطه ها و حاملین اوامر الهی

این فرشتگان هستند که عرش پروردگار را حمل می کنند، و معلوم است که این اشخاص باید کسانی باشند که چنین مقام رفیع و موجود عظیمی که مرکز جمیع تدابیر الهی و مصدر آن است قائم به وجود آنان باشد.

وَ مَنْ حَوْلَهُ به کار بستن تدابیر الهی اطراف عرش

وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ ﴿زمر

۷۵﴾ نیز اشاره به این معنا دارد.

مسئولیت های فرشتگان

- ▶ ماموران الهی دست اندرکار اداره عالم: تمام امور عالم توسط مدبرات امر و ملائکه موکل انجام می شود.
- ▶ فرشتگان قوای خدا هستند، یعنی خداوند ظهور قدرت و اسماء خود را از طریق فرشته ها انجام می دهد و فرشته ها مظهر اسماء الهی هستند و هر اسمی که قرار است کاری انجام دهد؛ آن را به وسیله فرشته ها یا ملائکه الله یا قوای عالم انجام می دهد.
- ▶ گروهی از فرشتگان همواره در حال حمد و تسبیح و عبادت خداوند در حال رکوع یا سجده هستند.

▶ نهج البلاغه:

نمی‌زایند، زاییده نشده‌اند، خواب ندارند، موت (مانند موت بشری) در آنان نیست، احتمال خطا و گناه در آن‌ها وجود ندارد، جملگی معصومند، حقایق نوریه هستند و از ظلمات عالم ماده خارجند. خطبه اشباح: اشتغال به عبادت حق، آنها را از هر کار دیگری باز داشته و حقیقت ایمان، میان آنها و معرفت حق پیوند لازم ایجاد کرد. نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانیده که به غیر خدا هیچ علاقه‌ای ندارند.

▶ دعای سوم صحیفه سجادیه:

هرگز در عمل سستی ندارند؛ خسته نمی‌شوند؛ آزرده‌گی و بی‌حوصلگی بر آنان عارض نمی‌شود؛ جدیت در کار و پیوستگی همیشگی دارند و هرگز غفلت نمی‌ورزند.

▶ دیگر متون اسلامی و هم چنین سایر ادیان الهی:

از بسیاری از روابط ثابتی که در عالم طبیعت وجود دارند و قوانین کلی علوم طبیعی را از آن‌ها به دست می‌آوریم، به ملائکه تعبیر شده که همان قوای موجود در عالم ماده می‌باشند.

صفات فرشتگان: عبودیت

دلایل نقلی ملاصدرا بر عبودیت فرشتگان:

▶ آنان بر عبادت پروردگار مداومت دارند.

نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ... (بقره: ۳۰)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (صافات: ۱۶۶)

▶ بر امر و اطاعت پروردگارشان پیشی و سبقت می گیرند:

«فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (حجر: ۳۰)

▶ کاری را انجام نمی دهند، جز آنچه به فرمان او باشد:

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

صفات فرشتگان: عصمت

▶ ملائکه به دلیل آن که فاقد قوا و طبیعت‌های گوناگون هستند معصوم‌اند، اما این نوع از عصمت غیر از عصمت اصطلاحی است که در باب انبیای الهی صدق می‌کند.

عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿تحریم ۶﴾

▶ آنان به درخواست نفس عمل نمی‌کنند.

▶ هیچ مانع دیگری در کار آنان نیست (شهوت، غضب، غفلت، ...) تا آنان را از تسبیح و تقدیس باز دارد.

▶ کار آنان همواره خضوع و خشوع در مقابل عظمت بیکران خداوند متعال است.

صفات فرشتگان: قدرت فوق العاده

- ▶ فرشتگان دارای اختیار هستند.
- ▶ آنان به درخواست نفس عمل نمی کنند.
- ▶ هیچ مانع دیگری در کار آنان نیست (شهوت، غضب، غفلت، ...) تا آنان را از تسبیح و تقدیس باز دارد.
- ▶ کار آنان همواره خضوع و خشوع در مقابل عظمت بیکران خداوند متعال است.

صفات فرشتگان

چشم‌های آنان چنان در مرحله خضوع است که توان بلند کردن آن را ندارند و دیدگان ایشان همواره پایین است.

این خضوع چشم نیز کنایه از حدود وجودی آن هاست بدین معنی که عجز محض در مقابل قدرت محض، چیزی جز تواضع را نمی‌طلبد.

به همین دلیل، امام علیه السلام فرمود: **الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيائِكَ:**

فرشتگان در مقابل عظمت و بزرگی کبریایی خدا خاضع و خاشع هستند.

انواع و سلسله مراتب فرشتگان

فرشتگان در بارگاه الهی دارای سلسله مراتب هستند زیرا برای آنها حدی است که نمی‌توانند با مقام بالاتر از خود ارتباط داشته باشند، ولو این که این ارتباط در حد رؤیت باشد. زیرا حجاب‌های موجود بین مراتب آنان چنان است که نمی‌توانند کمتر نظری به سوی مبدئیت متعالی داشته باشند و خود می‌دانند که چشم آنان در برابر انوار فوق‌العاده جلال و عظمت حضرت حق ناتوان است. از آن سو، جلال کبریایی و غنای مطلق حق نیز آن چنان است که ملائکه خود را در آن مرتبه نمی‌بینند که درخواست معرفت خداوند را داشته باشند، لذا به تواضع متوسل می‌گردند.

انواع و سلسله مراتب فرشتگان

امیرمؤمنان (ع) در خطبه اول نهج البلاغه برای ملائکه اقسامی را ذکر فرموده که بالغ بر شش طایفه از آنان می‌شود:

۱- حاملین عرش که دارای بالاترین مقام در بین فرشتگان می‌باشند، مجرد از ماده بوده و عوارض آن را که عبارت از فتور، کمبود، سستی، خستگی، آزدگی و غفلت است ندارند. امیرالمؤمنین (ع) آنان را از حقایق نوری دانسته اند.

۲- برزخی ۳- ملکوتی ۴- عالین ۵- مهیمن که مجرد محض هستند. ۶- ارضیه: ملائکه موجود در زمین که امور زمین به دست آنان انجام می‌شود.

انواع و سلسله مراتب فرشتگان از دیدگاه ملامت‌گرایان

۱. حاملان عرش: «وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (الحاقه: ۱۷)؛
۲. احاطه کنندگان اطراف عرش خداوندی: «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زمر: ۷۵)؛
۳. بزرگان از فرشتگان که از جمله آنان، جبرئیل و میکائیل می‌باشند: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۹۸)؛
۴. فرشتگان بهشت: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۳ و ۲۴)؛

انواع و سلسله مراتب فرشتگان از دیدگاه ملاصدرا

۵. فرشتگان گماشته بر آتش جهنم: «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً...» (مدثر: ۳۰ و ۳۱)؛
۶. فرشتگان گماشته بر انسان ها: «إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق: ۱۷ و ۱۸)؛
۷. نویسندگان اعمال: «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (انفطار: ۱۰-۱۲)؛
۸. فرشتگان گماشته شده بر احوال این جهان: «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا» (صافات: ۱-۳)

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

تسبیح یعنی تنزیه یا زدودن یا پیرایش که اقسام و مراتب مختلفی دارد:

- ۱- تسبیح قولی و زبانی
 - ۲- تسبیح علمی که ذات مقدس الله را در عمق باور و اعتقاد و با علم کامل به حقیقت تسبیح شونده تسبیح می کنند.
 - ۳- تسبیح عملی یعنی فرد به گونه ای زندگی و رفتار کند که دیگران او را نمونه ای صحیح از تربیت الهی بدانند و از بابت رفتار او، خدشه ای بر باور دیگر افراد ننشیند.
- ملائکه مشغول تسبیح خدا در هر سه سطح در اوج هستند و تسبیح خود را با حمد و ثنا همراه می کنند.

تسبیح و تحمید

- ▶ تسبیح با ستودن جلال الهی انجام می شود یعنی خداوند منزّه از صفات سلبيه است.
 - ▶ تحمید یعنی خداوند را با صفات ثبوتیه اش خواندن. حمد از آن خدا است و مخلوقات یارای برآمدن از عهده حمد الهی را ندارند.
- گلستان سعدی، دیباچه:

کز عهده شکرش به درآید

از دست و زبان که برآید

مثنوی معنوی، دفتر پنجم:

خاک بر فرق من و تمثیل من

کی برون از وهم و قال و قیل من

چرا باید خدا را تسبیح و تحمید کرد؟

ورنه او قطره و دریا، دریاست

قطره دریاست ، اگر با دریاست

وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ

تفسیر المیزان: ملائکه به وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت ایمان دارند. پس ذکر عرش و نسبت دادن تنزیه و تحمید و ایمان به ملائکه خود ردی است بر مشرکین که ملائکه مقرب خدا را شرکای خدا در ربوبیت و الوهیت می پنداشتند و آنها را به جای خدا ارباب خود گرفته و می پرستیدند.

آقای انصاری: فرشتگان اعمال خود را با اعتقاد کامل و راسخ انجام می دهند.

دعا و استغفار فرشتگان برای مؤمنین

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

استغفار یعنی رجوع به رحمت الهی. فرشتگان در هر حال و همواره در حال طلب رحمت برای آدمیانی هستند که ایمان آورده اند.

این دعا مستجاب است و این یک سبک و الگو برای دعا کردن به درگاه الهی است. خداوند به برکت دعای فرشتگان بسیاری از بلاها را از آدمیان برطرف می‌سازد.

مفاد دعای ملائکه در حق مؤمنین

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا

خدایا رحمتت را بر هر چیزی گسترده گردانیدی

... وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ... ﴿الاعراف ۷۵﴾

رحمت خداوند از یکسو عام و فراگیر است که به **رحمانیت** خدا شناخته می‌شود؛ در واقع هر جا که موجودی هست و از عدم پا به عرصه وجود میگذارد مشمول رحمت خدا شده است.

از سوی دیگر خاص و مربوط به یک موجود است که به **رحیمیت** خدا شناخته می‌شود.

خدایا هیچ چیز از دایره علم و آگاهی تو بیرون نیست.

مفاد دعای ملائکه در حق مؤمنین

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا

تفسیر المیزان: ملائکه قبل از درخواست خود نخست خدا را به سعه رحمت و علم ستوده اند. اگر در بین صفات خداوندی رحمت را نام برده و آن را با علم جفت کردند، بدین جهت است که خدا با رحمت خود بر هر محتاجی انعام می‌کند و با علم خود احتیاج هر محتاج و مستعد رحمت را تشخیص می‌دهد.

مفاد دعای ملائکه در حق مؤمنین

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا

خدایا رحمتت را بر هر چیزی گسترده گردانیدی و هیچ چیز از دایره علم و آگاهی تو بیرون نیست.

... وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ... ﴿الاعراف ۷۵﴾

رحمت خداوند از یکسو عام و فراگیر است که به **رحمانیت** خدا شناخته می‌شود؛ در واقع هر جا که موجودی هست و از عدم پا به عرصه وجود می‌گذارد مشمول رحمت خدا شده است.

از سوی دیگر خاص و مربوط به یک موجود است که به **رحیمیت** خدا شناخته می‌شود.

مفاد دعای ملائکه در حق مؤمنین

فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

پس آنان را که توبه کرده اند و به راه تو آمده اند پیامرز و آنان را از عذاب جحیم حفظ فرما.
در این فراز، فرشتگان از خداوند برای افراد عادی که ایمان به خدا دارند ولی دچار لغزش و فراموشی شده اند طلب غفران و بخشش می کنند مشروط به این که:

۱- توبه کنند یعنی به زبان اظهار پشیمانی و ندامت کنند،

۲- به طور عملی و در فعل خود عمل خلاف و گناه خود را ترک کرده و به راه خدا بازگردند.

نتیجه: در واقع اگر توبه لفظی در مقام عمل پیاده نشود، ارزش و اعتباری ندارد و آن گناه اولیه هر بار می تواند تکرار شود.

مفاد دعای ملائکه در حق مؤمنین

فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

تفسیر المیزان: مراد از راهی که مؤمنین از آن پیروی کردند، همان دینی است که خدا برای آنان تشریح کرده، و آن دین اسلام است.

پیروی دین اسلام عبارت است از این که عمل خود را با آن تطبیق دهند. پس مراد از (توبه) این است که با ایمان آوردن به طرف خدا برگردند.

خدایا حال که رحمت و علم تو واسع است، پس کسانی را که با ایمان آوردن به یگانگی تو و با پیروی دین اسلام، به سوی تو برگشتند، بیامرزش و از عذاب جحیم حفظشان فرما. و این همان غایت و غرض نهایی از مغفرت است.

آداب دعا

- ۱- شروع دعا با رَبَّنَا: قسم دادن خدا به بُعد پروردگاری و ربوبیت او و پیوندن دادن و تحکیم خواسته خود به تربیت الهی.
- ۲- ابتدا مدح و ثنای خدا را گفتن سپس اظهار نیاز کردن یعنی اظهار تمام ناتوانی خود در مقابل تمام توانایی خداوند.
- ۳- ذکر خصوصیات رحمانیت و رحیمیت و قدرت خدا که باعث ایجاد انس و الفتی می شود لازمه اتصال به مبدأ است.
- ۴- ذکر خواسته ها و نیازها

رَبَّنَا وَ ادْخُلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ اَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۸)

► ندای (ربنا) را مجدداً تکرار کردند تا عطوفت الهی را بیشتر برانگیزند.

► مراد از وعده هایی که خدای تعالی داده، وعده هایی است که به زبان انبیایش و در کتب آسمانی اش داده است.

► استغفار ملائکه برای عموم مؤمنین است

► ملائکه مؤمنین را دو قسمت کردند:

۱- **طایفه اول اشخاصی که در ایمان و عمل کاملند:** مؤمنینی که خودشان توبه کرده و راه خدا را پیروی کردند که خدا هم وعده جنات عدن به ایشان داده.

۲- **طایفه دوم در مقام و منزلت پایینتر از طایفه اولند:** مؤمنینی که خودشان چنین نبوده اند ولیکن صلاحیت داخل شدن در بهشت را دارند کسانی هستند که ایمان و عمل صالح خود را به حد کمال نرسانده اند و ایمانی ناقص و ضعیف دارند و عملی زشت. ولی به طایفه اول منسوبند.

شمول غفران الهی بر وابستگان کسانی که فرشتگان برای آنها دعا می کنند وسیعتر از آیه ۲۱ سوره طور است:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿طور ۲۱﴾

آیه مورد بحث دامنه شمولش وسیعتر است ، چون

۱. شامل پدران و همسران نیز می شود،
۲. در آیه سوره طور **ایمان ذریه** قید شده و در آیه مورد بحث **صلاحیت ذریه و آبا و ازواج**، و صلاحیت اعم از ایمان است.

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

عزت ►

ملائکه در آغاز مسألت خود، خدا را به رحمت و علم ستوده بودند، و لازمه سعه رحمت یعنی عموم اعطا این است که هر چه بخواهد و به هر که بخواهد عطا کند، و کسی جلوگیری نباشد.

این همان عزت است؛ چون عزت هم به همین معنا است که قدرت بر اعطا و منع داشته باشد.

حکمت ►

لازمه سعه علم او و شمول دامنه علمش به تمامی موجودات این است که علم او به تمامی اقطار و نواحی فعل خودش نافذ باشد و در هیچ جهت جهل نداشته باشد و لازمه داشتن چنین علمی این است که هر عملی می کند متقن و از هر جهت درست باشد و این همان حکمت است.

ترجمه و تفسیر آیه ۹

وَ قِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

آنان را از عقوبات حفظ کن، که هر که را در آن روز از عقوبات حفظ کنی بر او رحمت آورده ای و آن کامیابی بزرگ است (۹)

«سیئات»:

▶ آثار گناهان که همان کیفر آنهاست. اگر آثار گناهان را سیئات خوانده، بدین مناسبت است که کیفر بدی هم بدی است: وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ... ﴿الشوری: ۴۰﴾

▶ هراسها و شدایدی که در روز قیامت همه با آن مواجهند، نه عذاب جهنم.

پرسش: اگر بر خدا واجبست تائبین و مؤمنین را ببخشد و مؤمنان را داخل بهشت کند، چه نیازی به دعا کردن فرشتگان برای این مسأله است؟

اگر فرض کنیم خدا رحمت بر توبه کنندگان و ایمان آوردگان را بر خود واجب کرده، مشیتی از ناحیه خویش را انجام می‌دهد. او منزّه است از این که دیگری او را به کاری مجبور و کاری را بر او الزام کند، بلکه اگر آن کار عطیه‌ای باشد، در عین این که بر حسب فرض واجب بوده، تفضلی است که کرده. پس فعل او تفضلی است از او هر چند که واجب الصدور باشد و اما اگر واجب الصدور نباشد، تفضل بودنش واضحتر است.

ترجمہ و تفسیر آیہ ۱۰

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (۱۰)

کافران را ندا می دهند که خشم خدا بر شما بزرگ تر است از خشم شما از خودتان آنگاه که به ایمانتان فرا می خواندند و راه کفر پیش می گرفتید (۱۰)

يُنَادُونَ: از راه دور ندا داده می شوند. کفار، استحقاق ارتباط از نزدیک با خدا را ندارند و از راه دور با آنها صحبت می شود.

مَقْتُ: نهایت غضب و خشم. در قیامت، کفار از خود نهایت خشم و عصبانیت را خواهند داشت زیرا **إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ** آنان علیرغم دعوت آشکار و صریح به ایمان به خدا، کفر ورزیدند.

ترجمه و تفسیر آیه ۱۰

تفسیر المیزان: ظاهر این آیه و آیه بعدش این است که: ندایی که در این آیه حکایت می‌کند، ندایی است که کفار در آخرت و بعد از داخل شدن در آتش به آن نداء می‌شوند. آن هنگامی که عذاب کفر خود را می‌چشند و می‌فهمند که کفرشان در دنیا در حقیقت خشم گرفتن بر خودشان بوده است، آن روزی که از طرف انبیا دعوت می‌شدند به سوی ایمان و آن دعوت را مسخره می‌کردند، به دست خود این آتش را برای خود افروختند و خویشان را به هلاکت دائمی دچار کردند.

ترجمه و تفسیر آیه ۱۱

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا أَتْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا أَتْنَتَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

می‌گویند: ای پروردگار ما، ما را دوبار می‌رانندی و دوبار زنده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده‌ایم آیا بیرون شدن را راهی هست؟

کفار در قیامت به خداوند می‌گویند خدایا ما در مسیری که از دنیا تا قیامت پیموده‌ایم از خامی و ناپختگی گذشته و به پختگی رسیده‌ایم و حال که به گناهان خود اعتراف کرده‌ایم آیا مستوجب خروج از دوزخ (یا غضب تو) نیستیم؟

این آیه اثبات وجود عالمی غیر از دنیا است که پس از حیات و مرگ دنیوی وارد آن دنیا شده و ما از آن تعبیر به حیات برزخی یا عالم ملکوت می‌کنیم که بین دنیا و حضور قیامت قرار گرفته و خود دارای مراحل ورود (**تولد برزخی**) و خروج (**مرگ برزخی**) است.

ترجمه و تفسیر آیه ۱۱

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا أَتْنَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا أَتْنَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا

نام بردن اماته ها و احیاءهایی که بر آنان گذشته، برای اشاره به **اسباب حصول یقین به مساله معاد است** و زندگی دنیا و مرگ قبل از آن زندگی، هیچ اثری در پیدا شدن یقین به معاد ندارد.

فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

این بخش دعا و درخواست است، به صورت استفهام و پرسش. کلمه «خروج» بدون الف و لام برای اشاره به این است که می‌خواهیم از دوزخ خارج شویم، به هر طریق و هر قسم ممکن، و این خود دلالت دارد بر نهایت درجه فشار و ناراحتی، اما هیچ راهی به سوی خروج ندارند، چون روز قیامت روزی است که تمامی درها به روی کفار بسته می‌شود و تمامی سببها از کار می‌افتد، و دیگر سببی نمی‌ماند، که امید آن رود که اثر کند و ایشان را از عذاب خلاص سازد.

ترجمه و تفسیر آیه ۱۲

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَ إِنْ يُشْرِكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

این عذاب بدان سبب است که چون خدا را به یکتایی می خواندند شما انکار می کردید، و اگر برای او شریکی قرار می دادند شما به آن شریک ایمان می آوردید پس، فرمان، فرمان خدای بلند مرتبه بزرگ است. (۱۲)

«ذَلِكُمْ» اشاره به حالت شدت و سخت کفار است.

«وَ إِنْ يُشْرِكْ» به دلالت بر دوام و استمرار دارد. و سیاق کلام برای بیان دشمنی کفار با حق و با دین توحید است.

کافران برای خدا هیچ حقی و حرمتی قایل نبوده، و جانب حق سبحان را به هیچ وجه رعایت نمی کنند، خدای سبحان هم رحمت خود را بر آنان حرام کرده، در احکام خود هیچ رعایتی از جانب آنان نمی کند.

ترجمه و تفسیر آیه ۱۲

فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

این فراز به خوبی به اول آیه متصل می‌شود، به این شکل که خداوند متعال گویا خواسته است بفرماید: وقتی شما یکباره از خدا بُریدید و به هر چیزی که او اراده می‌کند شما کفر می‌ورزید، و به هر چیزی که او دوست نمی‌دارد ایمان می‌آورید، جز این نباید توقع داشته باشید که او هم از شما ببرد، و در هر حکمی درباره شما می‌کند هیچ‌گونه رعایتی نسبت به حال شما نکند.

نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ ﴿توبه ۶۷﴾

مراجع

- ▶ ترجمه تفسیر المیزان، پایگاه جامع قرآن کریم
- ▶ تفسیر نمونه، پایگاه جامع قرآن کریم
- ▶ تفسیر نور، پایگاه جامع قرآن کریم
- ▶ سلسله مباحث تفسیری آقای محمدعلی انصاری
- ▶ محمدتقی جعفری، ترجمه نهج البلاغه، خطبه یکم، وبگاه مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت (ع)
- ▶ محمد قدسی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲، وبگاه عترت خورشید
- ▶ مسعود جلالی فراهانی - هانری کُربن، "ضرورت فرشته شناسی"، وبگاه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی - مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۲۵
- ▶ سیدمهدی امام جمعه، "ابتکارات ابن سینا در نظریه صدور"، خردنامه صدرا، شماره ۲۵، پاییز ۸۰

- ▶ سیدصدرالدین طاهری، منا فریدی خورشیدی، ”ملائکه الله از دیدگاه ملاءدرا“، نشریه معرفت، شماره ۱۷۸، سال بیست و یکم، مهر ۱۳۹۱، ص ۸۹-۱۰۸
- ▶ فلوطين، وبگاه ويكي پديا دانشنامه آزاد
- ▶ سلسله مباحث اعتقادی آقای محمد شجاعی، دعای سوم صحیفه سجادیه
- ▶ حسن ممدوحی، ”شهود و شناخت“، شرح دعای سوم صحیفه سجادیه، مؤسسه بوستان کتاب قم
- ▶ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل
- ▶ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای صباح
- ▶ وبگاه اسلام کوئست